



فهرست مطالب

۲ مقدمه
۲ انحلال علم اجمالی در صورت سوم
۳ یادآوری یک نکته اصولی
۳ اشکال بر انحلال علم اجمالی
۴ پاسخ اشکال
 جمع‌بندی
۶ ثواب و عقاب در مقدمه واجب



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

عرض شد که مکلف نذر کرده بایستی یک عمل عبادی را انجام بدهد اما نمی‌داند که متعلق نذر او وضو است مستقلاً و نفسیاً یا این‌که متعلق نذر او نماز است؟ اگر متعلق نذر نماز باشد در این صورت وضو از باب مقدمه واجب است. البته در این‌که وضو را باید بیاورد علم تفصیلی دارد اما در این‌که نفسیاً یا غیریاً بیاورد شک دارد. این شک ناشی از آن است که نمی‌داند چگونه نذر کرده است در اینجا عرض کردیم برخلاف صورت دوم صورت اول تقریباً اتفاقی بود، گرچه حضرت امام (ره) مخالف بود که بحث کردیم. در صورت اولی فی الجمله اختلاف بود. در صورت ثانیه اختلاف وسیع و بسیار عمیقی بود؛ یعنی بزرگانی از اعلام در یک تقابل جدی بودند. در فرض سوم برخلاف آن دو صورت قبلی تقریباً اختلافی به ظاهر دیده نمی‌شود که در اینجا علم اجمالی منحل می‌شود.

انحلال علم اجمالی در صورت سوم

انحلال علم اجمالی در صورت سوم به این ترتیب است شخص که یقین دارد یا وضو مستقلاً متعلق نذر وی قرار گرفته است یا نذر به نماز تعلق گرفته است. اینجا در یک طرف برائت جاری است و در طرف دیگر جاری نیست. هرگاه (قاعده کلی را یادآوری می‌کنم) برائت در یک طرف جاری بشود علم اجمالی منحل می‌شود این یک قاعده کلی است؛ هر جا اصل مؤتمن و اصالت برائت در یکی از اطراف علم اجمالی جاری شد، علم اجمالی منحل می‌شود. اینجا هم مورد انحلال تبعیدی علم اجمالی است؛ برای این‌که در طرف نماز نمی‌داند که واجب است یا نه؟ نذر به آن تعلق گرفته یا نه؟ برائت جاری می‌شود؛ اما در طرف وضو گفته شده نمی‌توان برائت جاری کرد؛ چون در هر صورت وضو را باید بیاورد. در این‌که باید وضو را بیاورد، علم تفصیلی است. لذا برائت در وضو جاری نمی‌شود. نتیجه این امر این می‌شود که یک طرف برائت جاری می‌شود و یک طرف جاری نمی‌شود، آن وقت علم اجمالی منحل می‌شود. آن طرفی که برائت جاری نشد باید وضو را بیاورد، نتیجه هم نفسیت وضو است.



یادآوری یک نکته اصولی

در این بخش می‌خواهم یک نکته اصولی را یادآوری نمایم. در مقام کفاره، در شک در تعیین و تخییر اگر یقین دارد باید کفاره بدهد ولی نمی‌داند اینجا کفاره تعیینی است؛ یعنی باید عتق رقبه بکند یا این‌که مخیر بین عتق رقبه و اطعام ستین مسکیناً است؟ در اینجا نوعی اقل و اکثر و شک در تعیین و تخییر است؛ این طرف را یقیناً می‌داند، اما آن طرف را نمی‌داند تخییر است یا تعیین؟ در اینجا میان اصولی‌ها اختلاف است. بعضی گفته‌اند که در طرفین برائت جاری می‌شود؛ لذا علم اجمالی اینجا منجز است. بعضی‌ها (امثال آقای خویی و تبریزی و...) می‌گویند فقط یک طرف، مجرای برائت است. آن‌هایی که می‌گویند برائت از تخییر جاری نمی‌شود، به این دلیل است که می‌گویند برائت یک دلیل امتنانی است؛ برائت برای سبک‌دوش کردن مکلف تشریع شده است؛ لذا اگر با جریان اصل برائت بگویید مخیر نیستید، به این معنا است که مسئولیت را اضافه می‌کنید؛ چون تخییر خودش یک نوع آزادی و رهایی از یک عمل معین است. وقتی برائت از تخییر جاری نشد، در طرف تعیین برائت بلامعارض جاری می‌شود و علم اجمالی منحل می‌شود که نتیجه آن هم تخییر است.

در مانحن‌فیه نیز یقین دارد که نذری کرده است اما نمی‌داند که وضوی مستقل را نذر کرده یا نماز را نذر کرده است؟ اگر متعلق نذر نماز باشد، وضو نیز همراه آن هست؛ لذا در وجوب وضو نمی‌تواند برائت جاری کند، اما در طرف نماز می‌تواند برائت جاری نماید، وقتی در یک طرف اصل جاری شد علم اجمالی منحل می‌شود.

اشکال بر انحلال علم اجمالی

ممکن است کسی در انحلال اجمالی تردید کند. شبیه همان نکته‌ای که در دفاع از دیدگاه آقای خویی در بحث قبل می‌گفتیم برخلاف آن چیزی که مشهور می‌گوید علم اجمالی در اینجا منحل می‌شود، ممکن است نظر دومی ارائه بشود و بگوید علم اجمالی منحل نمی‌شود. چرا؟ برای این‌که اگر در وضو اصل برائت جاری نمی‌شود؛ برای این است که وضو را در هر حال باید بیاوریم؛ یا چون خودش متعلق نذر است یا اگر متعلق نذر نماز باشد این وضو مقدمه آن منذور است و روشن است که مقدمه منذور را هم باید بیاوریم، اما اگر خود وضو را هم از زاویه دیگر محل تردید قرار بدهید



می‌توان اصل برائت را در آن جاری نمود؛ یعنی اگر نفسیت وضو را مورد تردید قرار بدهیم، در این ویژگی می‌توان اصل برائت را جاری نمود؛ چون نفسیت واقعاً مشکوک است؛ لذا می‌شود بگوییم در نفسیت وضو برائت جاری است؛ بنابراین همان‌طور که در نماز اصل این است که متعلق نذر نبوده، در طرف وضو هم اصل این است که این خود فعل را باید بیاوریم شکی در آن نیست ولی نفسیتش را شک دارد برائت جاری می‌کند؛ وقتی در دو طرف اصل جاری شد، علم اجمالی منحل نمی‌شود. پس این نفسی خودش مستقل مورد تعلق نذر نیست. این ممکن است کسی این را بگوید.

پاسخ اشکال

ممکن است کسی از این اشکال جواب دهد که جریان برائت در ویژگی و خصوصیات (نفسیت) خلاف امتنان است. اگر چیزی را یقیناً می‌دانید هست، درست است که با برداشتن نفسیت آن از یک نظر عقاب را از آن تکلیف برمی‌دارید ولی از طرف دیگر عقاب را توسعه می‌دهید؛ یعنی عقاب را از یک تکلیف (وضو) به تکلیف دیگر (نماز) انتقال می‌دهید که هم خود تکلیف شاق‌تر است و هم عقاب آن. البته ما این نکته را به این صورت خیلی قبول نداریم؛ یعنی امتنان به این شکل را قبول نداریم این وجه این عدم پذیرش را انشاء الله خواهیم گفت فعلاً این وجه را علی‌المبنی وارد نمی‌شوم یک نکته دقیقی دارد که در جای مناسبش باید عرض بکنیم. به هر صورت عرض ما این است که این جواب را قبول نداریم؛ علیرغم این‌که گفته می‌شود در اینجا علم اجمالی منحل می‌شود ما می‌گوییم منحل نمی‌شود؛ برای این‌که اصل برائت از نماز با اصل برائت از نفسیت، تعارض می‌کنند، اینجا باید احتیاط کرد و احتیاط مستلزم غیریت است؛ یعنی وضو را قبل از نماز بیاورد.

اگر می‌بینید که یکی از دو فرش یا این یا آن؟ برائت را در جایی فرض می‌گیریم که علم نیست، می‌گوییم خود خصوص این تکلیف مشکوک است برائت جاری می‌کنیم منتها چون اینجا علم آمده تمام اطراف را فراگرفته، نمی‌توان برائت را جاری نمود؛ چرا که اگر هر دو اصل جاری شود، مخالفت با علم می‌شود. مشهور می‌گوید در یک طرف جاری می‌شود و در یک طرف جاری نمی‌شود؛ پس علم منحل می‌شود؛ اما ما می‌گوییم که در این طرف هم (نفسیت وضو) نیز برائت جاری می‌شود؛ و لذا برائت در این طرف (نماز) با برائت آن طرف (نفسیت) تعارض می‌کنند؛ علم اجمالی می‌گوید که باید احتیاط کنید. احتیاط هم در این است که هر دو را (وضو و نماز) باید بیاوری و وضو را قبل از نماز بیاوری.



در غیریت اصلاً مجرای برائت نیست در جامع هم نمی‌توانی برائت جاری کنی، اما در نفسیت می‌شود برائت جاری نمود؛ گفتیم در غیریت برائت جاری نمی‌شود در تقید نماز به غسل برائت جاری می‌شود. اینجا تقید هم محرز بود فقط اصل وجوب آن مشکوک بود برائت می‌گوید آن طرف هم برائت جاری می‌شود، دو اصل تعارض نموده و تساقط می‌کنند و علم اجمالی منجز می‌شود و نتیجه آن احتیاط می‌شود؛ یعنی وضو بگیرد و نماز بخواند در واقع نذر همان نماز است که مقدمه‌اش وضو می‌شود.

با ملاحظه علم، خلاف امتنان نمی‌شود. خصوصاً آنجایی که می‌خواهد برائت جاری کند خلاف امتنان شود مشکل دارد و الا در جایی که علم روی آن‌ها رفته اگر برائت جاری کند خلاف امتنان هم شود مشکل ندارد. ما امتنان را قبول داریم. بعضی امتنان را حکمت می‌دانند اما ما امتنان را علت می‌دانیم. در اینجا اگر نفسیت را بردارید خود این امر خلاف امتنان نیست، بلکه این که شما علمی دارید که نتیجه آن خلاف امتنان می‌شود، این اشکال ندارد؛ اما در این که خود این تقیید را برمی‌دارید این خلاف امتنان می‌شود. ما در واقع در باب امتنان دو حرف اصلی داریم (این نکته مهم است):

۱. بعضی گفته‌اند برائت حکمت است؛ یعنی معنای رُفَع مالا یعلمون، این نیست که چیزی را بردارد و منت باشد. بعضی علت می‌دانند. ما از کسانی هستیم که علت می‌دانیم. باید مورد به مورد بررسی کنید ببینید اگر باری را سبک می‌کند برائت جاری می‌شود و اگر باری را بر نمی‌دارد برائت جاری نمی‌شود.

۲. بحث دوم این است که امتنانی بودن با همان مجرای اصل است، نه با ملاحظه علم اجمالی و چیزهای بیرونی. اینجا اگر ملاحظه مجرای اصل را بکنیم برداشتن نفسیت امتنانی است که بگوییم این متعلق تکلیف مستقل و ثواب و عقاب مستقل است. بلکه وقتی ملاحظه علم اجمالی را نمایید و بگویید برائت نفسیت را برداشت و با اصل برائت طرف مقابل تعارض کند، بعد نتیجه آن احتیاط می‌شود؛ در این صورت خلاف امتنان است.

جمع‌بندی

تا اینجا ما سه صورت را بیان کردیم. بعضی مانند مرحوم خوئی و تبریزی صورت‌های دیگری را نیز گفته‌اند که اگر مجموع آن‌ها را جمع کنیم در مجموع حدود هفت الی هشت صورت می‌شوند اما چون مبانی آن‌ها روشن شد که در



شک نفسیت و غیریت ما چگونه عمل کنیم دیگر ضرورتی به طرح آن‌ها ندارد وقتی در فقه مبانی به دست آمد فرد می‌تواند صورت‌های مختلف را حل کند. ما در اینجا چهار و پنج مسئله مهم اصولی مانند تنجز علم اجمالی، انحلال علم اجمالی و اقسام انحلال و امتنانی بودن اصل برائت را بررسی کردیم. بحث نفسی و غیری در اینجا تمام می‌شود. بحث اصل عملی در دو جا به درد می‌خورد یکی در جایی که کسی بگوید من این مبانی را قبول ندارم و مبانی جدید ارائه دهد یکی هم اگر ادله و اطلاعات را تمام نداند نوبت اصل عملی می‌رسد. نتیجه بحث هم در بعضی فروض نفسیت است و در بعضی غیریت، بعضی جاها باید هر دو را بیاورد و در بعضی جاها فقط یکی را. پرونده این بحث را در همین جا می‌بندیم. بحث جدید را فقط طرح می‌کنیم و ادامه آن را در جلسه فردا بررسی می‌کنیم.

ثواب و عقاب در مقدمه واجب

آیا در مقدمه واجب ثواب و عقاب مستقل وجود دارد یا نه؟ این بحث از بحث‌های مهمی اصولی - کلامی است؛ یعنی بر تکالیف غیری ثواب و عقاب مستقل تعلق می‌گیرد یا نه؟ مرحوم خوئی و آیت‌الله وحید قبل از آن‌که در بحث غیری برسند در بحث واجب نفسی مبحثی را به عنوان مقدمه طرح کرده‌اند که ما هم به آن اشاره می‌کنیم. این بحث را در دو مقام بحث می‌کنیم: یک مقام بحث در این است که ثواب و عقاب در حرام و واجب نفسی و غیری استحقاقی است یا تفضلی؟ در میان متکلمین این بحث وجود داشته است که آیا عبد طلب دارد؟ یا نه طلب ندارد و تکالیفش را انجام می‌دهد و خدا از باب تفضل چیزی به او می‌دهد؟

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين